

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرح نوتاش

۲۷ جنوری ۲۰۲۰

کشته ندادیم که سازش کنیم

اعلامیه شماره ۲۳

جبهه مردم برای نجات ایران (خط سوم)

۲۵/۲۰۲۰/۰۱ مطابق ۶ بهمن [دلو]

نفرت مردم از رژیم دروغگو، و وابسته به امپریالیسم، به مرحله انفجاری رسیده است؛ به بهانه مبارزه با امریکا، شعار سازش با رژیم ملا، "همه با هم علیه امریکا" چون خنجر بر قلب مردم رنجیده ایران می نشیند. القای "جریان دو سر دارد"، و سعی در کشاندن مردم به زیر علم ملا، همان "سازشی" است که جوابش چه در عمل با پرهیز از عبور بر روی پرچم امریکا و چه در کلام با شعار "کشته ندادیم که سازش کنیم" توسط مردم داده شده است. توجه به خواست و نیاز مردم ایران رمز پیروزی است.

امروز به طور روشن سه نیرو در عرصه سیاسی ایران حضور دارند. امریکای جهانخوار و حامیانش، رژیم استعماری ملای خونخوار با حامیانش و مردم ایران. مردم ایران در ۴۲ سال گذشته به پای این انقلاب از نوع مخملی، به رنگ سیاه، دار و ندار خود را از دست داده اند. کشته، زندانی، حاشیه نشین و به هزار و یک درد گرفتار شده اند. آزموده را دوباره نخواهند آزمود. شعار "غلط جریان دو سر دارد"، یا راه را برای امریکا باز می کند و یا به ادامه استیلای جهانی رژیم ملا می انجامد. که هر دو راه به سود امپریالیست هاست. حساب مردمی که سال هاست با پول و ساندیس و سفر مجانی به خیابان ها آورده می شوند، جدا از حساب مبارزان هدفمند است. تکیه بر کمیت قلابی دست پخت ملا، خاک پاشیدن به چشم مردم ایران است.

جبهه مردم برای نجات ایران، خط سوم، "ضد امریکا-ضد ملا" که همان مردم جان بر لب در صحنه ایران است، باید به سرعت خود را متشکل کند. و شخصیت و حضور خود را به جهان معرفی کند. این جبهه سوم، صاحب این آب و خاک و حاکم فدای ایران است. نیروهای وابسته به امریکا خط اول و وابستگان و حامیان رژیم ملا خط دوم هستند. آنان را با عنوان خط یکم و خط دوم می توان خواند.

خود فروشی در ادبیات سیاسی، به تحریف واقعیت در ازای دریافت وجه گفته شود. و تروریسم سیاسی به ترور شخصیت فرد یا جمع با تهمت زدن گفته می شود. و جرمی بس بزرگتر از فحشاء است. "قتل شخصیت است".

افراد و احزاب مفلس فاقد وجهه که برای القای عقاید خود به ترورسیاسی دیگران می پردازند و بی انتقاد از خود، و بی توجه به ضایعه حیثیتی و عاطفی به جای گذارده، به پیش می تازند، نه تنها هرگز به مقصد نمی رسند بلکه تخم نفرت از حزب خود را، به واسطه دروغی که گفته اند در عرصه سیاسی می کارند، نهایتاً مجبور به انحلال می شوند.

برخی معتقدند که، بخشش از بزرگان است! برخی دیگر، تکرار خطا را نتیجه بخشش می دانند.

ولی انتقاد از خود، از اصول مارکسیسم است. انتقاد از خود، نشانه وقوف بر اشتباه خود به طور صادقانه است. در غیر اینصورت جراحت ایجاد شده، همچون شن ریزه ای در کفش، مانع از چفت شدن حلقه های اتحاد می گردد و فضاء همواره مستعد جدائی باقی می ماند. در واقع انتقاد از خود، بیمه اتحاد است.

پرهیز از انتقاد از خود، ریشه در پدر سالاری، واپس گرایی و خود خواهی دارد. و حال آن که، کسی یا حزبی که خود را مارکسیست معرفی می کند، اعلان می کند که دیگر از آن خود نیست و عنصر بیدار اجتماع است و فرا گیری و ارائه "رفتار" طبق اصول مارکسیسم وظیفه او می گردد. و این چیزی است که جامعه از او انتظار دارد. عرصه مبارزاتی مارکسیسم کاروانسرا نیست که هر کسی خواست بیاورد و برود. کارت شناسائی هر فرد فرهنگ مارکسیستی اوست. در مارکسیسم دروغ ممنوع است. تهمت زدن تروریسم محسوب می شود و از اهرم های کثیف امپریالیست هاست. تزریق میکروب کشنده و فساد به مغز اجتماع است. توطئه و تحمیق است و خلاف بیداری است.

فراموشی، بی تفاوتی، چشم بستن بر خطای دیگران بدون انتظار انتقاد از خود، در درون فرد خطا کار، نوعی حس زرنگی، خود برتری ایجاد می کند. و این خود باوری کاذب، به محق بودن کاذب و جان مایه اصلی دیکتاتوری بدل می گردد. جوامع با ضعف شناخت از انتقاد از خود، وجولانگاه و حضور وقاحت، بستر رشد دیکتاتورها، یکی بعد از دیگری می گردند. آنان خود بستر سرکوب حقارت بار خود هستند. همین نشانه عقب افتادگی از فرهنگ امروزی است. لذا، همراه با شعار مرگ بر دیکتاتور، اصلاح بستر اجتماعی برای جلوگیری از تولد دیکتاتورهای بعدی بس ضروری است.

شناخت مصیبت حقارت ملی گام اول است. بیداری اجتماعی و سیاسی، زدودن عقده حقارت فردی و اجتماعی و کسب مهارت و توانمندی ها، کمک به یک دیگر در سطح وسیع اجتماعی در زدودن عقده های حقارت فردی و ملی در تمام سطوح و مهمتر از همه تمام سطوح آموزشی می تواند در این جهت یاری رسان باشد. شناخت فرهنگ انتقاد از خود، تمرین و اجرای آن، و ارتقاء رفتار خود به سطح والای ویژگی های ذاتی طبقه کارگر (به دلیل اعجاز کار، به جای ویژگی های انگلی سرمایه داران و دلال صفتی خرده بورژوازی)، **فرهنگ انسان تراز نوین است.**

علت اصلی جدائی احزاب و سازمان های ایران، عدم شناخت فرهنگ انتقاد از خود و بکار نبستن آن بوده و هست. طبیعی است که همه افکار متفاوت دارند و همینطور هم باید باشد. ولی توهین و پرخاشگری، خود مرکزیت بینی و ترور سیاسی دیگران به طور مطلق از صفات خرده بورژوازی پر مدعای با عقده های حقارت است. خرده بورژوا، ترجمه ناقص پتی بورژوا است. پتی در انگلیسی به معنای حقیر، تنگ نظر، خسیس، جزئی و خرد و خرده است. که در فارسی خرده بورژوا معنا شده است. در انگلیسی بیشتر برای اهانت به کار گرفته می شود. از این رو روشنفکران موظف به شناخت ضعف پایگاه طبقاتی خود و تطبیق رفتار خود با اصول مارکسیسم هستند و الا خسارات جبران ناپذیری به مبارزات کارگری وارد می کنند. همانطوری که تا کنون وارد کرده اند.

نیاز امروز ما برای رهائی از رژیم ملا، فرا گیری و به کار بستن انتقاد از خود برای اتحادی سازنده است.

حزب توفان در بیانیه "در مورد تحولات اخیر در منطقه"، توفان شماره ۲۳۹ بهمن [دلو] ۱۳۹۸ متوسل به ترور سیاسی خط سوم شده و به خود فروختگانی که خود را خط سه می نامند حمله ور شده است. شاید بعد از به کار گیری "خط ۳"

از سوی جبهه مردم برای نجات ایران، بعضی خود فروختگان نیز چنین کرده باشند؛ ولی حزب توفان در مقابل اعتراض "جبهه مردم برای نجات ایران" (خط سوم) ، که این قلم است و با تکیه به مظلومیت مردم مبارز در صحنه ایران می نویسد و به طور قطع بری از این گونه اتهامات است ، سکوت کرده است و فارغ از احساس مسئولیت در رفع ظلم و جراحت حیثیتی، در مقاله بعدی خود بعد از رهنمود های مبارزاتی، مردم را برای رهائی از شرایط کنونی به عضویت در حزب توفان فرا خوانده است!! و بی خیال از جرم سنگینی که مرتکب شده عبور کرده است.

زیرا به ارتکاب قتل سیاسی عادت کرده است و تکرارش ایجاد عذاب وجدان برایش نمی کند. از این رو پاره کردن نقاب این حزب یک وظیفه می گردد. در همین جا، قاطعانه اعلان می شود که حزب توفان- کار، یک حزب تروریست سیاسی است. و نقش تروریستی آن تاریخی است. حزب توفان آغاز گر نفاق و هوچی گری در عرصه چپ ایران بوده است. تاریخچه لطمه زدنش به جنبش کارگری ایران به بیش از ۵۰ سال می رسد. و مسؤول تنهایی امروز طبقه کارگر ایران در مقابل این همه شداوند است.

حزب توفان تنها حزب حامی مرتجعترین و محافظه کارترین جناح تروریستی یک حکومت مذهبی وابسته به امپریالیسم در میان چپ ایران است؟! حزبی که بیش از نیم قرن با رفتار غیر مارکسیستی مانع کوچکترین تغییری در وضعیت طبقه کارگر ایران شده است. حزبی که قائم به ذات نیست و بزرگترین مسأله اش در هر شماره تهاجم به حزب توده ایران به عنوان روزیونیست بوده و هست. در جایی که شعار حزب توده ایران بیش از ۲۰ سال است که طرد ولایت فقیه بوده، حزب توفان همواره مدافع خط رهبر دزدان بوده است. اگر شعار جمهوری اسلامی باید به دست ایرانیان سرنگون شود را پای نشریاتش درج می کند ولی به شدت در عمل به آنانی که در این راه مبارزه می کنند حالت تهاجمی و بر چسب امریکائی بودن را می زند. به بهانه مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم، در حمایت از توسعه شیعه انگلیسی در جهان و خاور میانه است و کشتار در عراق را به فرمان رهبر دزدان و انتقال فرمان توسط قاسم سلیمانی را بحق می داند چون مبارزه با امریکا است. و خواب ملت عراق و ایران و خاورمیانه از حوثی های یمن تا حماس فلسطین با افیون شیعه انگلیسی به بهانه مبارزه با امریکا برایش دردی ایجاد نمی کند است؟! و سرمایه ملی ایران را در حساب بانکی فرزندان ملا در امریکا نمی خواهد ببیند!! و از مارکسیسم همانقدر می داند که بر پای اوراقش مارکسیسم لنینیسم بنویسد. در واقع به نوعی با حمایت از شیعه، حامی نظریه کمر بند سبز نظریه پردازان امپریالیست است. از این رو اصرار در به دست گرفتن رهبری جنبش را دارد. تا بعد از سقوط رژیم ملا همان سیاست را دنبال کند. داستان بلند بالای این گونه خدمات ملا پسند و خیر بده به امپریالیسم از طرف حزب توفان فراوان است. حزب توفان یک ماسک مارکسیسم لنینیسم بیش نبوده و نیست.

مارکس: دین افیون توده هاست،(دین توده های مردم را خواب می کند و آنان غافل از کلاه هائی که امپریالیسم بر سرشان می گذارد می شوند). ولی حزب توفان این را هرگز نشنیده و واقعیت ها را نمی بیند و حامی خواب کنندگان توده هاست؟! عده ای هم که مترادف با حزب توفان حامی اتحاد با رهبر دزدان هستند، ما را از جنگ اتومی می ترسانند. غافل از این که، اثرات تخریبی رژیم ملا هرگز کمتر از بمب اتوم نیست.

اگر کوچکترین میزان صداقت در موجودیت حزب توفان باشد با انتقاد از خود به ترور سیاسی اخیر و تمام فحایعی که در عرصه سیاسی ایران از بدو تأسیس تا به امروز در عرصه سیاسی ایران به وجود آورده به اصول مارکسیسم لنینیسم باز می گردد و منتظر می ماند که مردم خود درخواست عضویت در حزیش را نمایند. نه با دروغ و تهمت در تضعیف دیگران، خود را سر پا نگه بدارد. شکوفائی مبارزات در جهت منافع طبقه کارگر ایران و جهان و دگرگونی، تنها در گرو یک پالایش عظیم تمام احزاب و سازمان ها و باز گشت همه به اصول خالص مارکسیسم لنینیسم و اتحاد بزرگ

است. آنگاه به جای دادن آدرس غلط به کارگران "جریان دو سر دارد" ! و یا " همه با هم زیر علم ملای دروغگو"، و متحد امام زمانی ها شدن، برای مبارزه علیه امپریالیسم ، با شخصیت برازنده طبقه کارگر ، خود توان مبارزه را خواهند داشت

ترور سیاسی اهرم شناخته شده امپریالیسم است

جبهه جهانی ضد امپریالیست قدرت زنان

womens-power.farah-notash.com

www.farah-notash.com

Women's Power